

مسجد علی شاه حیدرآباد

نوشته : دکتر محمدجواد مشکور

هم در ایام سلطنت پادشاه مذکور (ابوسعید) در سنه ۷۲۳ به مرض طبیعی در او جان بی‌جان گشت وی را از آنجا به تبریز آوردند و در مقبره‌ای که بنا کرده بود دفن کردند. باز می‌نویسد که : «مرقد و مزار آن وزیر در محله مهاده مهین ، در عقب طاق مسجدی که بنا کرده وی است مقبره‌ای است که هم خود بنا کرده ، آنجا مدفون است .

صاحب خیرات و میرات بوده ، از بنای عالی عمارت مسجد وی همتش را قیاس می‌توان نمود ، در ربع مسکون برفعت طاق مسجد وی طاقی واقع نشده ، از طاق کسری که در مدائن است ارفع است :

مثل آن طاقی نباشد در همه روی زمین

طاق خواهد بود آخر در جهان طاق چین

سال وفات او در تاریخ گزیده و حبیب‌السیر و دیگر مآخذ ۷۲۴ آمده است نه ۷۲۳ هجری تاج‌الدین علی‌شاه پس از توطئه در قتل حریف مقتدر خود خواجه رشیدالدین فضل‌الله از شادی در پوست نمی‌گنجید بشکرانه این موقفیت هدیه‌ها بخشید و خیرات بسیار کرد و از آن جمله در سال ۷۱۸ دو حلقه طلا که هر کدام هزار مثقال وزن داشت به حرم کعبه فرستاد . ولی روزگار وزارت او نپایید و در سال ۷۲۴ بیمار گشت ، در ایام ناخوشی او ابوسعید شخصاً به عیادت او می‌آمد تا آنکه وی در جمادی‌الآخر سال ۷۲۴ جان سپرد ، جسدش را با احترام از شهر اوجان به تبریز آورده در مسجد وی ب خاک سپردند .
فصیح احمد خوافی می‌نویسد که تاج‌الدین علی‌شاه را در محله میدان کهن تبریز در محراب مسجد جامعی که خود بنا کرده بود دفن کردند .

حسد نمی‌توانست ترقیات علی‌شاه را به بیند به تحقیر او پرداخت و از برخاستن جلوی او امتناع میکرد . برخلاف او خواجه رشیدالدین ، تاج‌الدین علی‌شاه را احترام می‌نمود و همین امر موجب کدورت بین دو وزیر شد ، تا آنجا که خواجه سعدالدین در صدد آزار خواجه رشیدالدین برآمد و در مجلس ضیافتی که علی‌شاه از سلطان و وزیران کرده بود ، خواجه سعدالدین در حال مستی با رشیدالدین بدرستی و زشتی رفتار کرد . خواجه رشیدالدین در جواب سکوت کرده و سلطان از این معنی بیشتر بر سعدالدین آشفته شد . خواجه رشیدالدین نیز در خفاء در صدد انتقام برآمد و او را در پیشگاه ایلخان متهم به خیانت در اموال و مالیات دیوانی کرد . الجایتو امر به محاکمه او داد و چون جرم وی ثابت گشت بامر ایلخان بقتل رسید . و خواجه تاج‌الدین علی‌شاه جیلان بجای وی بر مسند وزارت نشست و در آن امر با خواجه رشیدالدین شریک گشت .

کربلائی در روایات الجنات می‌نویسد که حضرت شیخ رکن‌الدین علاء‌الدوله سمنانی را نسبت به مشارالیه التفاتی بوده و قطعه‌ای در نصیحت وی گوید :

نظام‌الملک تاج‌الدین علی‌شاه

نه‌ای بیرون ز خاطر گاه‌و بیگاه
وزارت وزر باشد باش از آن دور
که تا باشی ز نزدیکان درگاه
زمن بنیوش پند آصف صفا ، تا
که باشد کار تو بروفق دلخواه
رعیت را و لشکر را نکو دار
که تا آسوده باشد خاطر شاه
شب و روز تو باشد عید نوروز
جوانتربخت تو هر سال و هر ماه
اگر این پند را دستور سازی
تمتع باشد از عصر و از جاه

۱ - تاریخ مغول ص ۳۱۸ - ۳۲۰

۲ - روایات الجنان حافظ حسین کربلائی ، ج ۱ ص ۹۶

۳ - تاریخ مغول ص ۳۲۹

۴ - مجمل فصیحی ج ۳ ص ۳۶

حافظ ابرو در ذیل جامع التواریخ می‌نویسد: «خواجه تاج‌الدین علی‌شاه در اوایل شهور سنه ۷۲۴ برحمت ایزدی پیوست و در عهد دولت مغول که در ایران زمین سلطنت کرده‌اند از ابتدا تا به آن روز هیچ کس که منصب وزارت یافته است جز او به مرگ خود نمرده بود و آن حال در اوجان واقع شد، او را به تبریز بردند و در پهلوی مسجد جامعی که ساخته است دفن کردند. فرزندان و نزدیکان او را پادشاه تربیت و نوازش کرد و فرمود که وزارت بفرزند او دهند. دوبرادر با یکدیگر به جهت منصب منازع گشتند و اصحاب دیوان دو فرقه شدند و با یکدیگر تلاش نمودند تا مباحثات ایشان منجر شد که هر دو را بگرفتند و بیم کشتن بود. هر چه بمدتهای مدید پدر و قوم ایشان اندوخته بودند، مجموع بدادند و از منصب معزول گشتند».

مسجد علی‌شاه

ساختمان مسجد او از سال ۷۱۱ هـ تا سال مرگ او یعنی ۷۲۴ در مدت سیزده سال طول کشید و بالاخره نیز تمام نشد. بنا بنوشته کتاب نسائم الاسحار «خواجه علی‌شاه در مدینه‌السلام تبریز مدرسه‌ای مینونمای رفیع‌بنای بنا فرمود، و در بیابانها و طرق نیز رباطات و خانات (کاروانسراها) ساخت و به انشای مسجدی عالی طاق، رفیع رواق که در اقطار و آفاق اگر تمام شدی طاق نمودی اشارات راند»^۱.

بنابراین عبارت هنوز نمای مسجد به آخر نرسیده بود که خواجه تاج‌الدین علی‌شاه را اجل فرا رسید و این بنا ناتمام کرده بماند.

نادر میرزا نیز از علائم و آثاری که در موقع حفر در اراضی آن ظاهر شده به ناتمامی آن مسجد استدلال می‌کند. از مقبره تاج‌الدین علی‌شاه در پشت طاق مسجد او اثری بجای نیست.

محمود بن محمد بن آقسرائی در کتاب مسامرة الاخبار و مسایرة الاخیار که در ۷۲۳ هجری تألیف شده می‌نویسد: «تاج‌الدین علی‌شاه وزیر صلیب خیر بود، و مسجد جامعی در تبریز اساس نهاده است که غیر از مسجد جامع دمشق مثل آن در جهان نیست، در هیچ اقلیمی نشان نمی‌دهند و نظیر ندارد».

ابن بطوطه که در ۷۲۷ هـ در زمان پادشاهی سلطان ابوسعید بهادرخان به تبریز آمده در کتاب رحله خود در وصف این مسجد می‌نویسد: «پس از آن به مسجد جامعی رسیدیم که آنرا وزیر علی‌شاه معروف به جیلان بنا کرده است. در بیرون مسجد در دست راست روی به قبله مدرسه‌ای، و در طرف چپ زاویه‌ای که صحن آن از مرمر فرش شده و

دیوارهای آن کاشی کاری بود وجود داشت این کاشیها صاف و لغزنده بودند. از میان آن مسجد نهر آب جاری بود، و انواع درختان (از قبیل انگور و درخت یاسمین در آن رسته بود. رسم و عادت ایشان آن بود که هر روز سوره «یس» و «الفتح» و «عم» را پس از نماز عصر در آن مسجد میخواندند و اهل شهر در صحن مسجد برای استماع آن گرد می‌آمدند».

حمدالله مستوفی در وصف این مسجد می‌نویسد: «وزیر خواجه تاج‌الدین علی‌شاه جیلانی در تبریز در خارج محله نارمیان مسجد جامع بزرگی ساخته که صحنش دو بیست و پنجاه گز در دو بیست گز و در او صفه‌ای بزرگ، از ایوان کسری به مداین بزرگتر. اما چون در عمارتش تعجیل کردند فرود آمد و در آن مسجد انواع تکلفات بتقدیم رسانیده و سنگ مرمر بی‌قیاس در او بکار برده و شرح آن را زمان بسیار باید»^۹.

کاتب چلبی معروف به حاج خلیفه که در تاریخ ۱۰۴۵ هجری به تبریز آمد، در کتاب جهان‌نمای خود می‌نویسد: وزیر خواجه تاج‌الدین علی‌شاه در طرف جنوب غربی شهر تبریز در محله نارمیان مسجد جامع عظیمی بنا کرده که بزرگتر از ایوان کسری است. صفه‌ای دارد و حمدالله مستوفی در تره‌القلوب شرح این جامع را مفصلاً نوشته، لیکن حالا بهمان اوصاف مذکوره نیست.

در سنه ۱۰۴۵ هجری با مرحوم سلطان مراد خان (رابع) سه روز متوالی در آنجا بودیم در حالیکه آنجا را خراب میکردند برای العین دیدیم. باروها و حصارهای بنا بکلی خراب و اثری از آنها باقی نیست، تنها یک قسمت از بقیه بنای خراب شده که عبارت از یک طاق عالی مسجد جامع وصفه آن باقی مانده است»^{۱۰}.

شاردن در سیاحتنامه خود درباره این مسجد می‌نویسد: «تعداد مساجد تبریز دو بیست و پنجاه است. مسجد علی‌شاه تقریباً تمام مخروبه و منهدم شده است. قسمتهای پایین را که بگذارند نماز مردم اختصاص دارد و مناره آنرا که بسیار بلند است، مرمت کرده‌اند. هنگام ورود از ایوان نخستین اثری که از تبریز مشاهده میشود همین مناره است چهارصد سال میشود که این مسجد را خواجه علی‌شاه بنا کرده است»^{۱۱}.

۵- ذیل جامع التواریخ رشیدی ص ۱۱۷-۱۱۸

۶- نسائم الاسحار، طبع دانشگاه تهران ص ۱۱۷

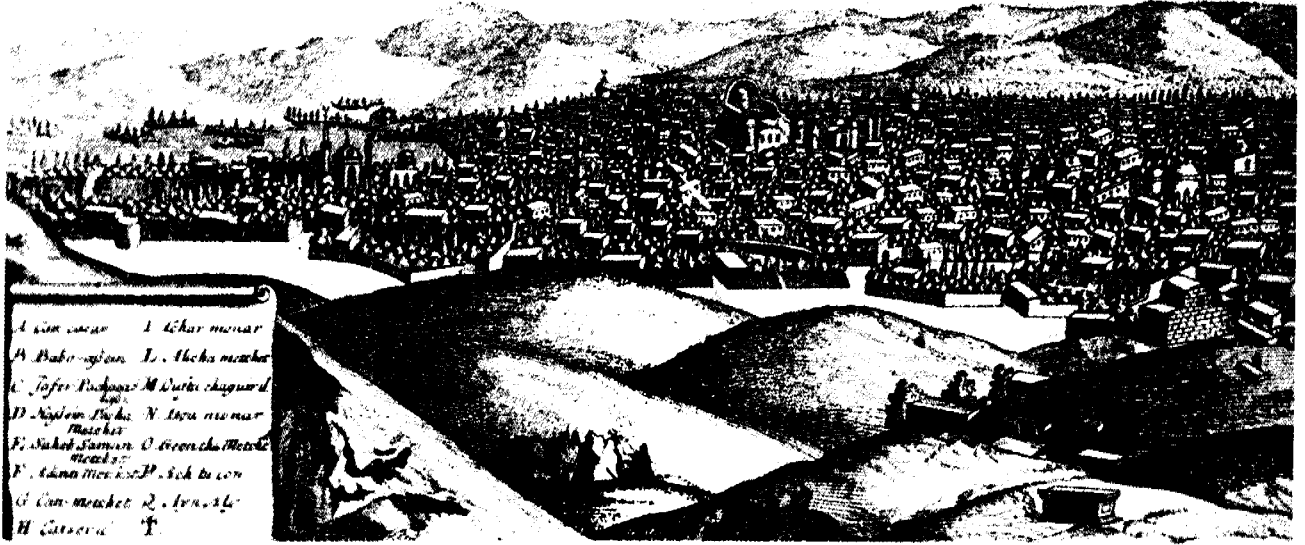
۷- مسامرة الاخبار ص ۳۱۴

۸- رحله ابن بطوطه طبع مصر ۱۳۲۲ ج ۲ ص ۱۷۴

۹- تره‌القلوب بتصحیح محمد دبیرسیاقی ص ۸۷

۱۰- چهل مقاله نخجوانی ص ۲۸

۱۱- سیاحتنامه شاردن ترجمه محمد عباسی ج ۲ ص ۴۰۴



۲- مسجد جامع علیشاه در وسط تبریز - سده ۱۱ هجری .

شیخ فرمود ترا خداوند بزرگ کند و از آن دعا بود که دستور بزرگ شد وزیر غازان که با خواجه رشید بدین کار مشارکت داشت .

این مسجد را به فرمان پادشاه عمارت کرد و با تمام آن تمجیل کرد چون گنبد آن مسجد عمارت کردند بنیان که تازه بود و هنوز سخت نشده و فرونشست و طاق بشکست این بنا عبارت بوده از چهار دیوار و در انتهای مسجد این بنا را ساخته‌اند . طول این مسجد از در اول تا طاق یکصد و هشتاد و پنج قدم است و خود طاق را مربع طور با گچ و آجر بالا برده‌اند که طول هر ضلع از اضلاع چهارگانه نود قدم است . جلو دهنه این طاق محرابی سی و هشت قدم است و ارتفاع این طاق از سطح محراب تا قله طاق بیست و چهار ذرع تبریزی است و وسعت و نه پله که ارتفاع هر پله قریب نیم ذرع است تا کله طاق .

در کله طاق بقدر یک ذرع و نیم طور غلام گردش ساخته شده است ، و در این غلام گردش نود و هفت قدم است . در انتهای این غلام گردش روبه مغرب بالاخانه ساخته شده است . در طول شش ذرع چیزی که مؤید الدوله مرحوم تعمیر کاری و ارسای بکار گذارده است . دیوار اصلی اطراف مسجد بکلی خراب و نابود شده است این دیوار حالیه که از گچ و آجر ساخته شده تازه ساز است ، بقدر ده پانزده ذرع از دیوار قدیم این بنا طرف دست راست در اولی مسجد باقی مانده و پشت آن خانه ساخته‌اند . یک طرف دیوار خانه را همین دیوار خراب شده باقی مانده قرار داده‌اند . باقی نمایان است تقریباً

مادام دیولا فوآ در سفرنامه خود از این بنا تعبیر به ارک کرده می‌نویسد :

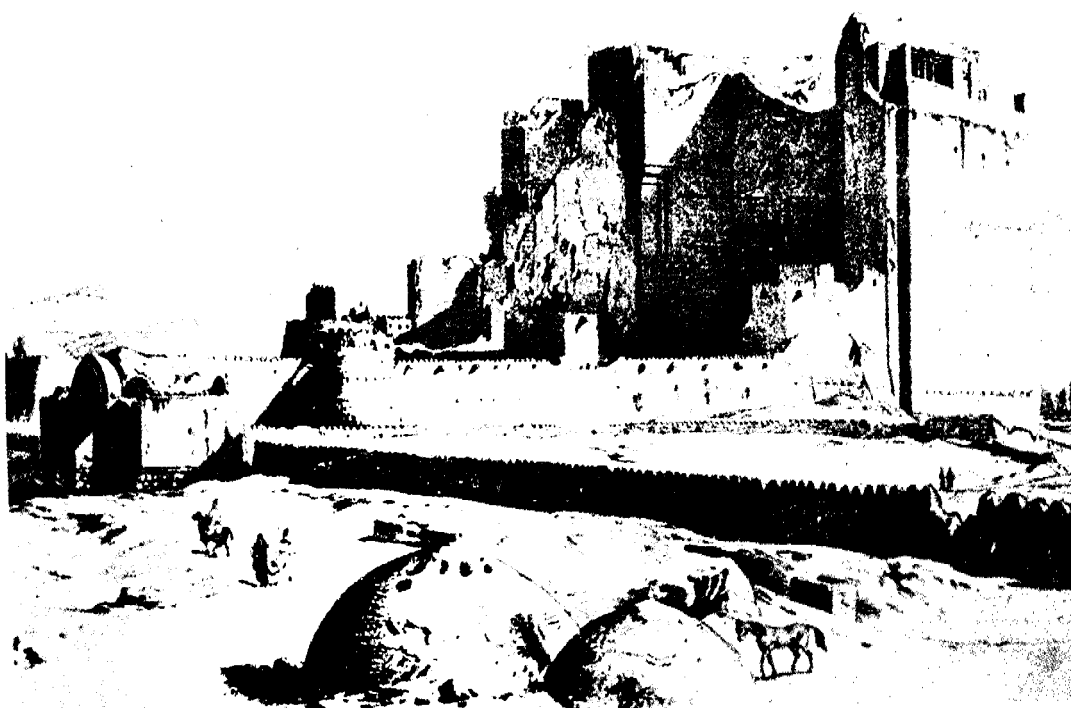
«در ضمن گردش در شهر در ۱۷ آوریل ۱۸۸۱ به عمارت ارک قدیمی برخوردیم این بنای با عظمت که بیست و پنج متر ارتفاع دارد و قبل از ورود به شهر هم در فاصله زیاد نظر مسافران را جلب میکند ، در مرکز میدان وسیعی قرار گرفته و از دیواری بشکل کثیرالاضلاع محصور گردیده و دارای برجهای مرتفعی است و اطراف آن هم خندق عریض و عمیقی بوده که اکنون یک قسمت آن پر شده است . دیوار آن با مهارت خاصی ساخته شده قسمی که اگر بطور مایل بر آن نگاه کنید درزهای قائم آجرها بشکل خطوط متوازی بنظر می‌آیند که تمام متساوی‌البعده و در هر جا فاصله مابین آنها یکسان است . در اطراف این بنای نیمه خراب ابنیه نظامی برپا شده که مخصوص سربازان ساخلوی تبریز است . و یک کارخانه توپ‌ریزی هم هست که اکنون متروک شده و بدون استفاده مانده است . پله‌کان خرابی منتهی به بام می‌گردد و در بالای بام منزلگاه کوچکی است برای دیده‌بانها که اتصالاً بنوبه در آنجا باید باشند و حریق و یا سایر حوادث ممکنه را اطلاع دهند»^{۱۲} .

نادر میرزا در تاریخ دارالسلطنه تبریز در صفت این مسجد نوشته است :

«اکنون آنجا را ارک نامند انبار اسلحه دولت و غلات است» . این مسجد را علیشاه وزیر که جیلان لقب داشت بنیاد نهاده .

حشری (در مزارات) نوشته که او دلاکی به گرمابه مهاد مهین بود روزی دده‌علی از مشایخ کبار بدان گرمابه شد ، علیشاه موی سر او بسترده و مزد نستد «گفت براه خدا کردم»

۱۲ - سفرنامه دیولافوآ ترجمه هماپون فره‌وشی ، طبع سال ۱۳۳۲



۳- مسجد جامع علیشاه در ۱۸۵۰ میلادی به هنگام دیدار همدوجل ۴- نمای شرفی مسجد .

مؤلف کتاب تاریخ اولادالاطهار نوشته «کتیبه‌هایی نیز در اطراف این مسجد قرار داده بودند که تمام کلام‌الله مجید را در آن کتیبه‌ها بخط خوبی نوشته بودند و بعضی از آن کتیبه‌ها که بخط ثلث و نسخ نوشته‌اند الحال نیز موجود است. خصوصاً در برج قریب بدر ارك شاهي» ۱۴ .

منارهای بلند آن بر اثر زلزله فروریخته و اکنون جز سه دیوار عظیم و یک محرابی چیزی بجا نیست ظاهراً به جهت بلندی و ارتفاع بسیار از روزگار صفویه از این مسجد استفاده دیده‌بانی نظامی و قلعه‌گی می‌کردند چنانکه در افواه مردم شهرت آن به ارگ بیش از مسجد است و هم‌اکنون نیز قبر سرباز گمنام در آنجا واقع است . ارتفاع این مسجد از سطح کف محراب تا انتهای طاق قریب ۲۶ متر است و تا بالای طاق شصت و نه پله می‌خورد . در بالای طاق بقدر یک متر و هفتاد سانت غلام‌گردشی ساخته شده که دور آن نود و هفت قدم می‌باشد . این بنا تحت شماره ۱۷۰ جزء آثار ملی به ثبت رسیده است . دونالد ویلبر درباره این مسجد می‌نویسد : «تا چندی پیش از این ساختمان به عنوان قلعه‌ای مستحکم استفاده میشده گلوله‌های توپ که در قرن هیجدهم به آن انداخته شده فقط آسیب مختصری به دیوارهای عظیم آن وارد آورده است . از این جهت اهالی آن را ارك علیشاه نامند ، در صورتیکه نام

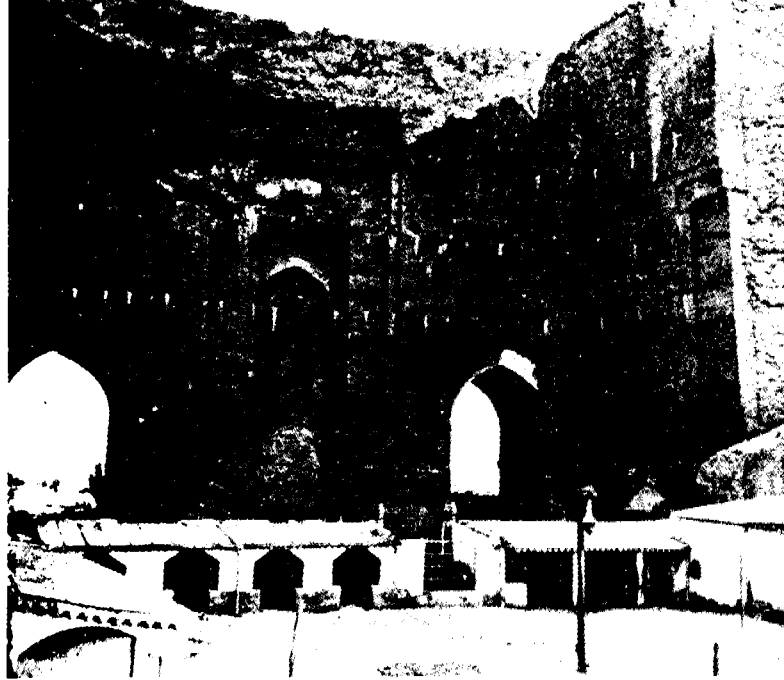
هشت نه ذرع ارتفاع و چهار ذرع عرض دارد . دور این دیوار را با آجرهای تراش و کاشیهای الوان بسیار ممتاز کاشی‌کاری نموده‌اند . همه اطراف این بنا دراصل همینطور دو رویه کاشی‌بری بوده است . از این باقی مانده معلوم است که چه صنعت‌سازی در کلیه این دیوار بکار رفته بوده است خاک و اغلب آجرهای این دیوار مانند آرد نخود زرد رنگ است . بنای خود طاق در محکمی مافوق ندارد و هیچ جای این طاق کاشی بکار نبرده اند . پاره جاهای این طاق را بطور محراب ساخته و با گچ سفیدکاری نموده‌اند که الان هم گچ‌کاری دیوار باقی است .

سپس نادر میرزا می‌نویسد : که وزیر علیشاه در اتمام این بنا عجله کرد و آن سقف عظیم که چون گنبد برافراشته بودند منهدم شد و این مسجد با تمام نرسید . نوشته‌اند که سنگ رخام بسیاری به این بنا بکار برده بودند ، بظاهر هیچ اثری نباشد ، سال یک‌هزار و دویست و هشت انباری در یکسوی این بنا می‌ساختند که غلات حکومت را آنجا نهند . ستونی از رخام در عمق چهارزرع تبریز خاک بود بیرون کشیدند . ستونی است بی‌عیب دراصل یک ذرع و نیم تبریز و بارتفاع سه ذرع و نیم سخت موزون و بقانون هندسی حجاری کرده ، هنوز تمام نشده و صیقل زده بودند . از این توانیم دانست که همه این رخامها بزیر خاک اندرست» ۱۳ .

محمد رضا بن محمد صادق الحسینی الطباطبائی التبریزی

۱۳- تاریخ دارالسلطنه تبریز ص ۱۰۵ - ۱۰۷

۱۴- تاریخ اولادالاطهار ص ۱۳۷



۵- درون مسجد، سمت رو به محراب . ۶- محراب مسجد علیشاه . ۷- دیوار غربی مسجد از داخل .

است . از جمله روکش نهائی چند آجر روی کالبد ساختمانی می‌باشد . در بالای رأس محراب سه اطاق برجسته داخل دیوار ساخته شده ، هرما و پیش‌آمدگیهای دیوار بوسیله تیرچوبی نگاهداشته‌میشده و قطع‌طول روکش در دو طرف محراب مساوی و یکسان نیست . ناحیهٔ قلم زده شده در دیوارهای جناحی راست و چپ یا سطح تمام شدهٔ جرز در پایان می‌باید . خطوط آغاز قسمت علیای بنا نشان میدهد که دهنه‌های طاقدار بسیار بلند در این نقاط ساخته شده بوده است . ناحیه‌ای که يك رچ قلم زدگی دارد و در سمت راست ایوان است ، کوشی است برای پر کردن شکل نقشه اصلی ایوان . ناحیه قلم‌زده شده قسمت چپ ایوان ظاهراً در تاریخ بعدتری ساخته شده باشد زیرا مجاور و متصل به جرزهای سردر ساخته شده می‌باشد . کنارهٔ دهنه‌های صفحه شرقی یعنی چپ این دیوار تزییناتی دارد که مخصوص گچکاری قرن چهاردهم میلادی است . ایوان این بنا در اصل دارای سقف به شکل طاق استوانه‌ای متقاطع بوده است . حمدالله مستوفی گواهی میدهد که بنا کمی بعد از اتمام ساختمان فرو ریخته است . احتمال اینکه مقصود او سقوط طاق بوده ، با قرائت نوشته دقیق يك بازرگان ایتالیائی که در سال ۱۵۱۴ بنای مزبور را دیده تأیید میشود . وی می‌نویسد : « مسجدی بسیار بزرگ است ، ولی وسط آن هرگز پوشیده نشده است . درسمتی که مسلمانان به نماز می‌ایستند محلی است که طاق بزرگی دارد و بلندی آن بقدری

صحیح آن : مسجد علیشاه است . غیر از حمدالله مستوفی و ابن بطوطه ، بدرالدین الحسینی (در گذشته بسال ۸۵۵ هـ) که یکی از همراهان سفیر قاهره به دربار ابوسعید بهادر بوده ، در کتاب مفصل خود عقدا لجمان فی تاریخ اهل الزمان ، توصیفی از این مسجد کرده و تیزنهاوزن Tiesenhausen خلاصه‌ای از آن انتشار داده است . در نقشه‌ای که در این کتاب چاپ شده ، سعی گردیده که طرح اصلی بنا و ساختمان بنا و ساختمانهای مجاور آن نشان داده شود . البته باید در نظر داشت که در این نقشه دو ناحیه هاشور زده بر اساس مطالب ادبی کشیده شده است . دو ناحیه هاشور زده عبارتند از «بقایای موجود بنای اصلی» و «بقایای موجود تجدید ساختمان اولیه» . اکنون این دستگاه ساختمانی را میتوان به دقت مورد بررسی قرار داد : اول خود ایوان عظیم است که ۳۰/۱۵ متر عرض آنست و دیوارهای کنار آن ۱۰/۴۰ متر ضخامت و ۶۵ متر عمق فرضی و ارتفاع احتمالی آنها تا خط آغاز طاق ۲۵ متر بوده است . ناحیه‌ای که در نقشه دو بار قلم‌زده شده بدون شك قسمتی از ساختمان اصلی ایوان بوده است . دهنه‌های دو طرف محراب ، سردر نبوده بلکه پنجره‌هایی بوده است که برای دخول نور به بنا ساخته شده و آستانه آنها از سطح زمین در خارج چندین متر ارتفاع داشته است بررسی دقیق محراب نشان میدهد که در ساختمان آنها مهارت زیادی بکار رفته و ضمن پیشرفت کار تغییرات عمده‌ای در نقشه آن داده شده‌بوده

است که تیر به آن نمی‌رسد ، ولی ساختمان آن تمام نشده است» .

در تصویری که شاردن کشیده ، جزئیات این بنا بقدری خوب نشان داده شده که میتوان بخوبی دید که در آن زمان کلیه دیوار عقب ، که طاق درمقابل آن ساخته شده بود و همچنین قسمتی از خود طاق متقاطع سرجای خود وجود داشته است . بدین ترتیب احتمال میرود که کمی بعد از آنکه طاق ساخته شده ، قسمتی از آن ولی نه همه آن سقوط کرده است دیوارهای کناری وطاقهای یکی از سردرهای کناری بر اثر سقوط ویا سستی بنا آسیب دید . تعمیراتی که در آن زمان بعمل آمد ، شامل تجدید بنای سمت چپ وپرکردن دهنه سردر می‌باشد کناره های دهنه سمت شرقی این دیوار ارتباط نزدیکی با ساختمان شبستان واقع در همان ناحیه داشت . آثار خطوط اتصالی طاق با گنبد باقی مانده ، ونفولهای گچی تزیین شده در دهنه جدید ایوان قرار داشت . این دهنه بعداً مسدود گردید ولی در نقشه جای آن با خطوط نقطه‌دار معین شده است . بنا به شهادت بدرالدین‌العینی طاق نوك تیز محراب بوسیله دو ستون مسی اندلسی نگاه داشته میشده وقاب محراب با طلا و نقره تزیین و نقاشی شده بوده است . احتمال میرود که آنچه او دیده است محراب سفالین بوده که جلای فلزی داشته است .

برسطوح دیوارهای آجری داخلی سوراخ های چوب‌بست در فواصل منظم دیده میشود . سوراخ های دیگر بر سطح دیوار وجود دارد ولی تعداد آنها باندازه‌ای نیست که بتوان آنها را نقاط اتصالی سفال یا پوشش دیگری محسوب داشت . ایوان تا بالای کف اصلی از خاک خرابه پر شده ، بطوریکه از ازاره چیزی دیده نمیشود . ولی احتمال میرود که ازاره اطاق از سنگ تراش یا مرمر بوده است . ممکن است که سطوح دیوار های داخلی با گچ سفیدکاری شده بود ولی احتمال قویتر آنست که روی آنها پارچه بافته آویزان می‌کرده‌اند . بدرالدین العینی می‌نویسد : چراغ‌هایی که با طلا و نقره تزیین شده بود و از زنجیر مسی آویزان بود داخل اطاق را روشن می‌کرد وهر پنجره مشبك بیست قطعه مدور شیشه مزین به طلا و نقره داشته است .

بازرگان ایتالیائی صحن مسجد را به این ترتیب شرح میدهد: ۱۵ .

«در اطراف آن با سنگهای عالی طاقهایی ساخته شده که ستونهای مرمر آنها را نگاهداشته است این ستونها بقدری عالی وشفاف است که به بلور شابهت دارند وضخامت وارتفاع همه آنها یکسان است وبلندی آنها در حدود پنج یا شش قدم است . در کنار در اصلی مسجد جویی زیرطاقهای سنگی جریان دارد . در وسط بنا حوض بزرگی است که یکصد قدم طول و

به همین اندازه عرض آنست ودر وسط شش‌پا عمق دارد ودر وسط آن حوض سکویی است که تازه ساخته شده است» .

اما بدرالدین عینی طول و عرض حوض مربع مزبور را ۱۵۰ ذراع نوشته و می‌نویسد : که آن از مرمر پوشیده شده بود و سکویی در وسط آن قرار داشت که در هر سوی آن مجسمه شیری گذاشته بودند که از دهان آنها آب بداخل حوض جاری بود . بالای سکو فواره هشت‌گوشی بود که دو دهانه آب پران داشت . این مسجد دومناره بلند داشته که هر کدام هفتاد ذراع ارتفاع و پنج ذراع عرض داشته‌اند» .

بازرگان ایتالیائی درباره سردر مسجد چنین می‌نویسد : « این مسجد سه در دارد که فقط دوتای آنها مورد استفاده ودارای طاق هستند . این درها چهار قدم عرض و بیست قدم ارتفاع و یک‌ستون دارند که از مرمر نیست بلکه از سنگهایی برنگهای مختلف است بقیه طاق با طبقات گچ‌تزیین شده است . در هر درگاه لوحه‌ای از مرمر شفاف است ، حتی از مسافت یک میل این لوحه هارا که از هر طرف سه یارد (قریب ۳ متر) هستند می‌توان دید . دری که باز وبسته میشود سه یارد عرض و پنج یارد ارتفاع دارد واز الوارهای بلند ساخته شده وروی آن قطعات بزرگ برنز که صیقلی و مطلا شده کوبیده‌اند» .

این درگاهها ممکن است همه در دیوار چپ در جلو ، یعنی انتهای باز ایوان قرار داشته‌اند ، و ممکن است درمداخل اصلی صحن ویا اینکه جداگانه در سه‌سمت صحن قرار گرفته بوده‌اند . تصویر شاردن نشان میدهد که جلوی ایوان دیوار ، حاجبی وجود داشته ، ولی این دیوار ممکن است در دوره بعد اضافه شده باشد . احتمال بیشتر آنست که سه درگاه در چنان مداخل عظیم ایوان ، که در نقشه نشان داده شده ، قرار داشته ودرگاه مرکزی فقط درمواقع معین باز میشده است . در ساختمان این بنا ظاهراً قصد آن بوده که از لحاظ اندازه از ایوان مدائن بزرگتر وعالیتر باشد . بدرالدین عینی می‌نویسد که علی‌شاه دستور داد آن را شبیه ایوان مدائن بسازند و بر ارتفاع و عرض آن ده ذراع بیفزایند درحقیقت عرض دهنه ایوان تبریز از دهنه ایوان مدائن زیادتر است و پوشش و سراپوان عریض‌تر وبلندتر از کلیساهای بزرگ اروپا است» ۱۶ .

15 - Grey, Anarrative of talian Travels in Persia in the fifteenth and sixteenth centuries, London, 1873, P. 167.

۱۶ - معماری اسلامی در دوره ایلخانان ص ۱۵۸ - ۱۶۱ .